

■ مجلس و حکومت‌های جهان امروز

دفتر بررسی‌های سیاسی - اجتماعی

وجود پارلمان در هر کشوری، سمبل (نماد) حاکمیت مردم یا دموکراسی غیر مستقیم می‌باشد. لفظ دموکراسی در اصل در شهرهای یونان باستان پدید آمد و مراد از آن حکومت «دموس» یا «عامه مردم» است، یعنی حق همگان برای شرکت در تصمیم‌گیری در مورد امور همگانی جامعه. این دموکراسی، «دموکراسی مستقیم» نام دارد. این شکل از حکومت به ویژه در آتن (سده پنجم قبل از میلاد) پدید آمد^(۳) و در آن شهروندان (به جز زنان و بردگان) هنگام اعمال دموکراسی در «اگورا» یا «پنیکس» گرد می‌آمدند و در باب مسائل عمومی به رایزنی و تصمیم‌گیری می‌پرداختند. اجتماع مردم، به عنوان ارگان مقنن و مصوب، حاکمیت

پیش‌نوشتار

پارلمان* واژه‌ای فرانسوی است و به محلی اطلاق می‌شود که در آن گفتگو، تأمل، بحث و مشاوره، و بالمال تصویب قانون صورت می‌پذیرد. این واژه از ریشه لغت لاتین (parlement) گرفته شده است. مجلس «آلیتنگ ایسلند» نخستین و قدیمیترین پارلمان جهان است. این مجلس در سال ۹۲۵ میلادی تشکیل شد و تا این زمان دوام دارد.^(۱) پس از آن قدیمی‌ترین پارلمان جهان در نیمه دوم قرن سیزدهم و در سال ۱۲۶۵ میلادی در انگلستان شروع به کار کرد.^(۲) می‌توان گفت که سنت‌های پارلمانی انگلستان قدیمی‌ترین و ریشه‌دارترین سنت‌های پارلمانی جهان به شمار می‌رود.

سیاسی را مستقیماً اعمال می‌کرد. (۴)

ولی امروزه تحقق دموکراسی مستقیم یا بی واسطه در کشورهای بزرگ به سبب بالا بودن جمعیت و اشتغال مردم و گرفتاریهای زندگی روزانه‌شان دشوار است و به همین خاطر آنچه در جهان امروز، در پهنه «دولت - ملت»ها به نام دموکراسی شناخته می‌شود، دموکراسی غیر مستقیم یا نمایندگی (۵) است. یعنی نمایندگانی که در مجلسهای قانونگذاری خواست اکثریت مردم را به اجرا گذارند ولی با این حال، سویس هنوز از کشورهای کم مانندی است که دموکراسی بی واسطه یا مستقیم به گونه‌ای چشمگیر در آن جریان دارد. ولی در دیگر کشورها، دموکراسی مستقیم در موارد استثنایی و به صورت مراجعه به آرا و افکار عمومی - که همه پرسی یا فراندن نام دارد - اجرا می‌شود. (۶) در اصل ۵۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در این باره چنین اعلام شده است: «در مسائل بسیار مهم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ممکن است اعمال قوه مقننه از راه همه پرسی و مراجعه مستقیم به آرای مردم صورت گیرد. درخواست مراجعه به آرای عمومی، باید به تصویب دو سوم مجموع نمایندگان مجلس برسد.»

بنابراین می‌توان گفت که رژیم سیاسی مبتنی بر پارلمان، در واقع تجلی بخش اراده ملت و اعمال حاکمیت ملی است و در کشورهایی که با اصول دموکراسی اداره

می‌شوند، پارلمان مرکز ثقل سیاست و تصمیم‌گیری درباره مسائل مملکتی است. حتی در نظام توحیدی اسلام نیز با وجود قوانین جامع و کامل الهی که از وحی سرچشمه می‌گیرد نوعی نهاد قانونگذاری ضروری است. با این تفاوت که، اصول و قواعد کلی قانونی از طریق وحی الهی مشخص و تعیین شده و به دلیل حاکمیت تشریحی خداوند اطاعت از این اصول کلی اجتناب ناپذیر است، ولی در قلمرو وسیع مباحات و احکام ترخیصیه و نیز موضوعات و کیفیت اجرای احکام کلی، و در تشخیص و تطبیق عناوین ثانوی و تبیین احکام ثانوی، اختیارات وسیعی، توأم با مسؤولیت، به انسان آگاه و مؤمن تفویض گردیده است. (۷)

قوة قانونگذاری هر کشور ممکن است از یک یا دو مجلس تشکیل شود. کشورهای با سیستم حکومتی فدرال معمولاً دو مجلس دارند. در بعضی کشورهای بسیط نیز، دو مجلس وجود دارد. در نظامهای دو مجلسی، مجلس اول را مجلس سنا یا مجلس اعیان می‌گویند، ولی در انگلستان، این مجلس به «مجلس لردها» معروف است که اعضای آن انتخابی نبوده و یک مجلس مشورتی به شمار می‌آید. مجلس دوم نیز، بر حسب ملل مختلف، مجلس شورا، یا مجلس نمایندگان و یا مجلس عوام نام دارد. کشورهایی نظیر امریکا (مجلس سنا و مجلس نمایندگان)،

دستگاهی که اعمال هر سه قوه (مقننه، مجریه و قضاییه) را با هم بر عهده دارد یکی است. قانونگذار، مجری و قاضی از هم شناخته نمی‌شوند و دارنده قدرت می‌تواند، هم واضع قانون و هم مجری آن و هم دادرس واقع شود ولی در این سه کشور با بررسیهایی که به عمل خواهد آمد ما شاهد تفکیک یا همکاری قوا خواهیم بود.

۱- جایگاه پارلمان در ایالات متحده آمریکا

ایالات متحده آمریکا دارای رژیم حکومتی از نوع ریاستی می‌باشد این رژیم محصول اندیشه تفکیک مطلق قواست. قوه مجریه را به رئیس جمهوری می‌سپارند که خود برای مدت معینی بارای همگانی برگزیده می‌شود. از سوی دیگر، اعضای قوه مقننه نیز در انتخاباتی جداگانه به وسیله مردم و برای مدت مشخصی تعیین می‌شوند؛ به بیان دیگر، حاکمیت ملی در دو نوبت تجلی می‌کند، یکی برای انتخاب متصدی اصلی قوه مجریه و دیگری برای انتخاب نمایندگان قوه مقننه، این دو قوه، در یک سطح قرار دارند و دارای پشتوانه‌ای مساوی هستند.

از سوی دیگر، هیچکدام از این دو قوه نمی‌تواند دوره کارکرد قوه مقابل را از راه انحلال یا سقوط کوتاه کند، نه حکومت قادر است پارلمان را منحل کند و نه نمایندگان پارلمان توانایی آن را دارند که رئیس جمهوری و وزرای او را از کار برکنار نمایند. با توجه به توضیحاتی که در ذیل در ارتباط با پارلمان ایالات متحده و رابطه

انگلستان (مجلس عوام و مجلس لردها)، هند (راج سبی و لوک سبی) و سوئیس (مجلس شورا و مجلس کانتونها)، دارای نظام دو مجلسی هستند. در نظامهای دو مجلسی، حدود اختیارات هر یک از دو مجلس توسط قانون مشخص شده است.

نگاهی گذرا به قانونگذاری در کشورهای مختلف جهان مؤید این ادعاست که در نیمه دوم سده بیستم در اغلب کشورها اصل بر این است که مردم به طور مستقیم با سرنوشت خود در تصمیم‌گیریهای سیاسی شرکت نمی‌کنند، بلکه حق قانونگذاری و اتخاذ تصمیم در زندگی مشترک به عهده نمایندگان است که بر طبق قوانین باید آزادانه از سوی مردم انتخاب شده و به جای آنها و به نمایندگی و وکالت از جانب موکلان تصمیم بگیرند.

بعد از ذکر این مقدمات مختصر، که حاوی تاریخچه‌ای کوتاه و اهمیت اجمالی این نهاد در تصمیم‌گیری‌های کشور می‌باشد، اینک به سراغ موضوع اصلی این نوشتار، که عبارت است از تبیین جایگاه مجلس در نظامهای دمکراتیک و بررسی جایگاه آن در ایران، می‌رویم. برای این منظور به طور موردی به بررسی پارلمان در سه کشور ایالات متحده آمریکا، انگلیس و جمهوری اسلامی ایران پرداخته‌ایم. علت انتخاب این سه کشور به این خاطر است که براساس طبقه بندی که از روابط بین قوا صورت گرفته است این سه کشور در درون نظامهای اختلاط قوا جای نمی‌گیرند، زیرا در رژیمها اختلاط قوا (اقتدارگرا) شخص یا

وسيله خواسته است تا گرايش برابر طلبى ايالات را ارضا كند. سناتورها براى مدت شش سال انتخاب شده و هر دو سال يك بار، يك سوم اعضاى سنا تغيير مى‌كنند. شرط سناتور شدن داشتن ۳۵ سال تمام و نه سال تابعيت امريكا پيش از انتخاب شدن و اقامت در محل مورد انتخاب است.

در بند ۱ ماده يك قانون اساسى ايالات متحده چنين آمده است: «اعطاي كليۀ اختيارات قانونگذاري به كنگره ايالات متحده كه از مجلس سنا و نمايندگان تشكيل شده است تفويض مى‌گردد.»^(۸)

هر يك از دو مجلس سنا و نمايندگان، به طور مساوى حق دارند طرح قانونى به تصويب برسانند و براى تأييد به مجلس ديگر ارسال دارند، اين تساوى در همه موارد رعايت شده جز در مورد حق ابتكار (طرح) زمينه قوانين مالى و مالياتى، كه حق اخير منحصراً متعلق به مجلس نمايندگان است.^(۹) البته مجلس سنا اختيار تام دارد كه اين قبيل طرحها را، كه از مجلس نمايندگان براى تصويب به مجلس سنا مى‌رسد، تصويب يا رد كند و يا به حيات يك قانون مالى موجود پايان دهد.^(۱۰) قائل شدن اين اختيارات براى سنا، تا حدودى، حق انحصارى مجلس نمايندگان را تعديل مى‌كند.

در ساير موارد زير، قدرت سياسى بين دو مجلس به طريق زير توزيع شده است:

الف) در صورتى كه هيچ كدام از نامزدهاى رياست جمهورى نتوانند در

پارلمان با قواى ديگر مى‌آيد به نظر مى‌رسد تفكيك مطلق قوا امرى محال باشد و بايد دو قوه مقننه و مجريه به گونه‌اى با هم در ارتباط قرار گيرند تا كارهاى حكومتى - كه به هر حال امورى يك پارچه و در ارتباط با يكديگر مى‌باشند - به گونه مطلوبى تمثيت يابند.

با نگاهی گذرا به سابقه پارلمان در ايالات متحده امريكا معلوم مى‌گردد كه پايه‌هاى قوه مقننه ايالات متحده در كنفرانس فيلادلفيا و در سال ۱۷۸۷ ميلادى بنا گرديده است. در حال حاضر نيز، قوه مقننه فدرال همانند سابق از دو مجلس تركيب يافته است: مجلس نمايندگان و مجلس سنا كه هر دو در مجموع «كنگره» ناميده مى‌شوند. مجلس نمايندگان، در حقيقت، نمودار جامعه ملي امريكا، قطع نظر از ايالات عضو مى‌باشد. در انتخابات مجلس نمايندگان، هر امريكايى به عنوان شهروند امريكا رآى مى‌دهد نه به عنوان عضو فلان ايالت. تعداد نمايندگاني كه هر ايالت به مجلس نمايندگان مى‌فرستد به نسبت جمعيت آن ايالت مى‌باشد.

نمايندگان، با رآى مستقيم مردم و براى مدت دو سال انتخاب مى‌شوند. شرط انتخاب شدن داشتن ۲۵ سال تمام و تابعيت امريكا، به مدت هفت سال پيش از انتخابات و اقامت در محل ايالت و حوزه انتخابيه است. اما در مجلس سنا وضع انتخابات به گونه‌اى ديگر است. در اين مجلس هر ايالت بدون توجه به جمعيت و مساحت، داراى دو نماينده مى‌باشد. قانون اساسى، بدین

۱- رئیس جمهور در پیام سالانه خود به کنگره می تواند تصویب قوانین خاص را پیشنهاد کند یا استراتژی ویژه ای را در تصمیمهای تقنینی بخواند. نفس این پیام خطوط کلی سیاست کشور را مشخص می کند و نمایندگان مردم و ایالات را با آن آشنا می سازد و در واقع طرح اولیه تصمیم گیری های کنگره را به ویژه در زمینه قانون گذاری پی می ریزد.

۲- رئیس جمهور، نسبت به مصوبات گوناگون کنگره، یکبار حق «توی تعلیقی» دارد. یعنی می تواند اجرای قانون مصوب را منحل کند.

۳- معاون رئیس جمهور، ریاست مجلس سنا را بر عهده دارد و این خود بر اصل جدایی کامل دو قوه، استثنایی است که دست قوه مجریه را قوه مقننه تقویت می کند. (۱۲)

باملاحظه مراتب فوق معلوم می گردد که تفکیک مطلق قوا در ایالات متحده امریکا نیز عملی نگردیده است و در بسیاری از موارد ما شاهد همکاری و تأثیرات متقابل بین قوا می باشیم.

بی گمان در هر جامعه ای - چنانکه قبلاً نیز اشاره گردید - پارلمان نقش محوری و اساسی را ایفا می کند و مردم با فرستادن نمایندگان خود به پارلمان در واقع در اعمال حاکمیت سهیم می شوند. در امریکا نیز وضع به همین منوال است. مردم امریکا با انتخاب و ارسال نمایندگان خویش به مجلس نمایندگان و سنا، به طور غیر مستقیم در قانون گذاری شرکت جسته و به گونه ای با واسطه در اعمال حاکمیت شرکت می کنند.

انتخابات اکثریت آرا را به دست آورند، به مجلس نمایندگان حق داده شده است که خود رأساً، رئیس جمهور را انتخاب کند. در برابر مجلس سنا نیز می تواند، در کیفیت مشابه، معاون رئیس جمهور را برگزیند.

ب) در آیین محاکمات مسؤولان اجرایی، مجلس نمایندگان مقدمات کار را فراهم می کند و به صدور ادعای علیه مقام مورد اتهام می پردازد. سپس، مسأله در مجلس سنا مطرح می شود و این مجلس چون دادگاهی امر قضاوت و صدور حکم را بر عهده دارد.

ج) انتصاب کارکنان عالی مقام اجرایی و سفرا و نمایندگان عالی رتبه دیپلماتیک به پیشنهاد رئیس جمهور و تأیید مجلس سناست. علاوه بر آن مجلس سنا، در تنظیم و تصویب قراردادهای بین المللی مشارکت می کند. (۱۱)

چنانکه ملاحظه می شود با وجود تلاش قانونگذار در جهت توزیع مساوی قدرت میان دو مجلس، کفه ترازو به سود مجلس سنا می باشد. در واقع مقنن خواسته که بدین وسیله ویژگی فدرالی دولت امریکا را برجسته تر نماید، زیرا مجلس سنا منعکس کننده اراده دولتها (ایالات) عضو می باشد.

توزیع قدرتی که به این نحو بین دو مجلس در ایالات متحده صورت گرفته قدرت و اختیارات محدود کننده پارلمان را نشان می دهد. در مقابل این اختیارات پارلمان در ایالات متحده امریکا، قوه مجریه نیز از اختیاراتی برخوردار است که متقابلاً بر پارلمان تأثیر می گذارد. این موارد عبارت است:

ظاهر جنبه تبعیضی یا امتیازی داشته باشد ولی در حقیقت وسیله است دفاعی برای اینکه نماینده بتواند آزادی خود را برای ادای وظیفه نمایندگی در گفتار، نوشتار و کردار خود حفظ کند. تعرض به نماینده ممکن است از ناحیه قوه مجریه صورت بگیرد و یا از ناحیه افراد، که در هر دو صورت نتیجه یکی خواهد بود. عدم وجود مصونیت سبب می شود که نماینده خود را در معرض خطر توطئه ها، زمینه سازی ها و تحریفات ببیند و مجبور بشود که مواظب گفتار و کردار و تصمیمات خود باشد.

نماینده مجلس برای اعمال وظایف خود هم باید آزاد باشد و هم مستقل، آزاد تا آنجایی که بدون داشتن ترس از دولت و یا مخالفان خود، آنچه می اندیشد، بگوید و آنچه صلاح می داند پیشنهاد کند و آنچه با عقاید سیاسی و اجتماعی او سازگار است، در تهیه طرحها یا در اظهار نظر نسبت به لوایح، ابراز دارد. اهمیت اصل استقلال در آن است که نماینده در دوران نمایندگی، تحت قیومت و تابعیت مقام دیگری به طور مستقیم یا غیر مستقیم نباشد و خود را جز در برابر رأی دهندگان و شهروندان، و به تعبیر وسیعتر، «ملت»، مسؤول نشناسد.

در بند ۶ ماده ۱ قانون اساسی ایالات متحده آمریکا آمده است: «سناتورها و نمایندگان را هنگام حضور در جلسه مجلس مربوطه، یا هنگام عزیمت به مجلس یا بازگشت از آن، به هیچ عنوان نمی توان

اصل اول قانون اساسی امریکا با ذکر عبارت «اصل حاکمیت مردم و محدودیت قدرت حکومت» به این مسأله اشاره می کند. حاکمیت مردم در اصل مذکور را بدین گونه تفسیر کرده اند که حاکمیت مردم عبارت است از «حق مردم برای تأسیس، الغا و یا تغییر دادن تشکیلات حکومتی». (۱۳) به عبارت دیگر حاکمیت ریشه مردمی داشته و از مردم نشأت می گیرد.

ذکر این نکته ضروری است که اگر چه در همه کشورها پیش بینی شده است که نمایندگان مجلس باید منتخب مردم باشند، ولی تحقق انتخابات آزاد و به دور از فشارهای مختلف، در هیچ کجای دنیا، حتی در دموکراسیهای غربی و از جمله امریکا نیز دیده نمی شود. «لویی بیونس رنجه» عضو فرهنگستان علوم فرانسه، در این باره نوشته است: «در غرب انتخابات آزاد است ولی زمینه سازی تبلیغاتی که پیش از آن می شود، مردم را چنان مقهور و مسحور می کند که بیشترشان بسی اراده رأی می دهند. این زمینه سازی تبلیغاتی برای انتخابات، جز به دست قدرتهای سیاسی مالی امکان پذیر نیست. (۱۴)

ویژگی دیگری که در تبیین جایگاه پارلمان در ایالات متحده باید به آن اشاره نمود مصونیت پارلمانی است. مصونیت پارلمانی اساساً پوشش قانونی است برای حفاظت نماینده در برابر تعقیب قضایی یا اعمال پلیسی. این مصونیت ممکن است به

اصطلاح «همکاری قوا» نیز استفاده می‌کنند. برای انجام تفکیک نسبی قوا، سه شرط در نظر گرفته شده است:

۱- برقراری تمایز بین وظایف و دسته بندی آنها و واگذاری هر دسته از این وظایف که دارای ماهیتی همگون هستند به دستگاهی متمایز: مقننه به پارلمان، مجریه به هیأت دولت و دستگاههای اداری و قضاییه به دادگاهها.

۲- دستگاههای متمایز، بر خلاف رژیم ریاستی، جنبه تخصصی کامل ندارد. یعنی دواير کارکرد آنها در نقاطی با یکدیگر به صورت متقاطع عمل می‌کند و قلمروهای مشترکی را به وجود می‌آورد. مثلاً مجریه در شکل گیری قوانین با مقننه همکاری می‌کند و مقننه در اجرای تمام و کمال قوانین در کار مجریه نظارت می‌کند.

۳- اندامهای هر یک از قوا مانند هیأت دولت و پارلمان دارای وسایل و ابزارهای تأثیر بر یکدیگرند. این معنی را «دوررزه» به طور خلاصه چنین ذکر کرده است: «تمایز قوا، همکاری در وظایف، وابستگی اندامی» که از یک طرف با اختلاط و تمرکز قوا یکی نیست و از سوی دیگر با تفکیک کامل قوا تفاوت دارد. (۱۶)

اساس رژیم پارلمانی با ملاحظه وضع آن در کشورهای انگلستان و فرانسه و بسیاری از کشورهای اروپایی به قرار زیر است:

الف) قوه مجریه دو رکنی است؛ یعنی در رأس آن یک رئیس کشور (پادشاه و یا رئیس جمهور) قرار دارد که قاعداً غیر

بازداشت کرد مگر به علت خیانت و شورش و ارتکاب جرم علیه نظم عمومی، همچنین هیچ یک از آنان را به علت نطق و مذاکره‌ای که در مجلس مربوط کرده باشند در محلی غیر از آن مجلس نمی‌توان استیضاح کرد. (۱۵) ویژگیها و مشخصاتی که در بالا ذکر گردید تا اندازه‌ای جایگاه مجلس در ایالات متحده امریکا را تبیین می‌نماید. با این تبیین در واقع مشخص می‌گردد که مجلس محل تدبیر و تدوین برنامه‌ها و قوانین یک کشور است، محلی است که فقدان آن کشور را در معرض رکود و نابودی قرار می‌دهد. و می‌توان گفت جایگاه آن در یک کشور دمکراتیک، همانند جایگاه فکر در مکانیزم بدن انسان می‌باشد.

۲- جایگاه پارلمان در انگلستان

انگلستان دارای رژیم حکومتی از نوع پارلمانی می‌باشد. این نوع رژیم در حقیقت از تفکیک نسبی قوا به دست می‌آید. در شیوه تفکیک نسبی قوا، نظر به اینکه حاکمیت ملی از سوی مردم و از رهگذر انتخابات به نمایندگان پارلمان سپرده می‌شود و از طریق پارلمان به دستگاهها و اشخاص کارگزار و سایر قوا منتقل می‌گردد، لذا دستگاههای قوا به یکدیگر وابسته‌اند، یعنی در عین تمایز و تفکیک باید، پاسخگو و مسؤول دستگاهی باشند که از آن ناشی شده‌اند، بنابراین در این گونه رژیمها نوعی وابستگی ارگانیک، به چشم می‌خورد و سخن از استقلال و انفصال مطلق در میان نیست. برخی از حقوق دانان اساسی از

در برابر مجالس مقننه مسؤولیت سیاسی ندارد، اما در رژیم پارلمانی نهاد ریاست کشور از ریاست وزیران جداست. اولی از مسؤولیت مبراست و دومی به طور فردی و دسته جمعی در برابر پارلمان مسؤولیت سیاسی دارد.

در برابر این اختیارات پارلمان، برای آنکه اثر گذاری قوه مقننه بر مجریه یک جانبه نباشد و امکان سقوط پیاپی هیأت وزیران توسط پارلمان صورت نگیرد به قوه مجریه (یعنی رئیس کشور) حق داده شده که طبق روال معینی پارلمان را منحل نماید.

حال در این قسمت سعی می‌کنیم ساختار پارلمان در سیستم پارلمانی انگلیس را تشریح نماییم.

اساساً رژیم پارلمانی زاده تحول حقوق انگلیس است که به تدریج از قرن سیزدهم میلادی آغاز شد و در زمان حاضر به شکل کنونی در حال اجرا و عمل است.

پارلمان کشور انگلیس از دو مجلس تشکیل شده است: مجلس عوام و مجلس لردها، نمایندگان مجلس عوام براساس انتخابات سراسری همگانی، مستقیم و مخفی براساس نظام اکثریتی و روش تک‌گزینی برگزیده می‌شوند. مجلس لردها یادگار دوران اشرافیت است و وجودش در زمان کنونی فاقد مبنای حقوقی می‌باشد. لازم به ذکر است عنوان لردی امری موروثی یا مادام‌العمر است. و این عنوان به آنها حق شرکت و عضویت در مجلس لردها را

مسؤول است و یک رئیس حکومت (نخست وزیر یا رئیس الوزرا) که همراه با کابینه وزرا، کلیه مسؤولیتهای سیاسی را بر عهده دارد.

ب) مجلس یا مجلسین از سوی مردم انتخاب می‌شوند و حق دارند کلیه اقدامات و عملیات حکومت را زیر نظر بگیرند و از راه سؤال و استیضاح و ایجاد کمیسیونهای تحقیقاتی یا نهادهای نظارت، چون دیوان محاسبات، قوه مجریه را کنترل کنند.

ج) پارلمان حق دارد با صدور رأی عدم اعتماد، حکومت را واژگون نماید و هیأت دولت جدیدی را موافق با تمایل اکثریت نمایندگان، بر مسند قدرت بنشانند.

د) در مقابل حکومت نیز وسایل گوناگونی برای تأثیر بر قوه مقننه در اختیار دارد. لوایح قانونی را تنظیم می‌کند و به پارلمان پیشنهاد می‌نماید. وزرا می‌توانند در مجالس شرکت کنند و از لوایح و نظریات سیاستهای خود دفاع نمایند. (۱۷)

تعادل قوا در رژیم پارلمانی اساساً بر دو وسیله متقابل استوار است:

۱- مسؤولیت سیاسی وزرا، در برابر پارلمان و امکان سقوط کابینه با رأی عدم اعتماد نمایندگان

۲- حق انحلال پارلمان توسط قوه مجریه. (۱۸)
از این حیث رژیمهای پارلمانی با رژیمهای ریاستی تفاوت پایه‌ای پیدا می‌کنند زیرا در رژیم ریاستی، رئیس جمهوری، هم رئیس کشور و هم رئیس کابینه وزرا است و

رسمیت یافتن جلسه کافی است. ولی برای تصویب لوایح قانونی حضور حداقل ۳۰ نفر الزامی است.

مجلس لردها سه وظیفه و صلاحیت انحصاری دارد:

۱- در درجه اول این مجلس یک دادگاه اختصاصی برای محاکمه اشراف انگلیس است.

۲- مجلس لردها عالیترین دادگاه رسیدگی تمیزی هم در زمینه‌های حقوقی و هم در زمینه‌های جزایی در انگلستان می‌باشد در حال حاضر این وظیفه به وسیله ۹ نفر عضو این مجلس که به لردهای حقوقدان معروفند انجام می‌شود.

۳- هر گاه مجلس عوام یک مقام عالی رتبه حکومت را متهم به ارتکاب خطایی بنماید، بعد از رسیدگی مقدماتی او را تسلیم مجلس لردها می‌کند تا مجلس اخیر به اتهام او رسیدگی کند.^(۲۰)

در این باره باید اضافه کرد که به تدریج با تثبیت قاعده مسؤولیت دسته جمعی وزرا، این وظیفه سوم مجلس مذکور دیگر کاربردی ندارد. زیرا وقتی وزیری شدیداً مورد سؤال پارلمان قرار گرفت، تمام کابینه باید سقوط کند.

علاوه بر سه نوع صلاحیت خاص مجلس لردها که ذکر شد، هر یک از دو مجلس عوام و لردها می‌توانند لوایح قانونی تصویب و برای رسیدگی و اخذ تصمیم به مجلس دیگر بفرستند.

اما برحسب سنت، بیشتر لوایح چنان که بعداً ذکر خواهیم کرد به مجلس عوام تقدیم

می‌دهد. علاوه بر لردهای موروثی تعدادی لرد مادام‌العمر نیز توسط مقام سلطنت منصوب می‌شود که آنها نیز به عضویت مجلس یاد شده در می‌آیند.

در آغاز تحول حقوق بریتانیا از رژیم سلطنتی مطلق به سلطنتی محدود، بیشتر اختیارات متعلق به مجلس لردها بود. ولی با ادامه این تحول و پیشرفت دمکراسی و گسترش انتخابات و حقوق مردم در تعیین نمایندگان مجلس عوام، آرام آرام این مجلس به قدرت خود افزود به طوری که با مجلس لردها دارای حقوق برابری شد. اما نظام دو مجلسی برابر طلب بریتانیا دیری به طول نینجامید، و مجلس عوام که تصویر جامعه بریتانیا و نهاد ناب دمکراسی را منعکس می‌کرد کم کم بر مجلس لردها برتری یافت و اساس و پایه واقعی پارلمان انگلیس به شمار آمد. مجلس لردها اختیارات واقعی خود را از دست داده و در زمینه قانونگذاری محدود به صدور نظرهای مشورتی شده است.^(۱۹) ولی با این حال مجلس لردها هنوز از ارزش نمادین و معنوی بسیاری برخوردار است.

۱-۲- تشکیلات و حدود صلاحیت مجلس لردها

هر دو مجلس پارلمان همزمان از طرف پادشاه، دعوت به تشکیل اجلاس سالانه می‌شوند و هر دو نیز همزمان تعطیلات رسمی خود را آغاز می‌نمایند. معمولاً حدود ۷۰ تا ۸۰ لرد در هر جلسه مجلس شرکت می‌کنند.

طبق سنت، حضور سه عضو برای

مذکور تنها مرجعی است که هزینه‌های کشور را در قالب بودجه عمومی بررسی و تصویب می‌نماید.

ج - نظارت بر قوه مجریه

سومین صلاحیت مهم مجلس عوام کنترل قوه مجریه و زیر نظر داشتن اعمال قوه مذکور است. اصولاً وقتی در انگلستان گفته می‌شود مسئولیت وزرا این مسئولیت در مقابل مجلس عوام است، این مسئولیت به دو شکل می‌باشد ۱- فردی ۲- دسته جمعی منظور از فردی این است که هر وزیر از لحاظ قوانین جزایی و سایر قوانین کشوری، خود شخصاً مسئول کلیه اعمال خویش در طول مدت وزارت است اما در مقابل استیضاح پارلمان وزرا مسئولیت دسته جمعی دارند. یعنی هر وزیر در مقابل پارلمان، مسئول طرز مدیریت و سیاستگذاری وزرای دیگر همکار خود نیز می‌باشد. براین اساس هر گاه پارلمان یکی از وزرای کابینه را استیضاح کند، نخست وزیر و سایر اعضای کابینه باید متفقاً استعفا بدهند.

د- طرح سؤال از اعضای کابینه

یکی از اقتدارات بسیار سودمند مجلس عوام حق طرح سؤال از وزرای کابینه می‌باشد. در بریتانیا سؤال نماینده مجلس عوام از وزرا رایج است و یکی از راههای کنترل حکومت توسط پارلمان می‌باشد.

در ایالات متحده آمریکا چون وزیران در برابر کنگره مسئولیت ندارند سؤال و استیضاح موضوعیت ندارد و در عوض

می‌شود و تنها بعضی لوایح خاص و همچنین لوایح قضایی ابتدا به مجلس لردها برده می‌شود.

علی رغم بعضی نظرها برای انحلال مجلس لردها، افکار عمومی در انگلستان تمایل به بقای آن دارند و می‌خواهند این مجلس به طوری تجدید ساختمان شود تا با اصول دمکراسی و با آیین دو مجلسی سازگاری داشته باشد. بنابراین افکار عمومی انگلیس خواهان اصلاح آن است نه الغای آن.

۲-۲- مجلس عوام انگلیس

مجلس عوام یک مجلس مردمی است که فعلاً متجاوز از ۹۵۰ عضو دارد اعضای این مجلس مستقیماً به وسیله ملت و برای مدت پنج سال انتخاب می‌شوند. برای رسمیت یافتن جلسات حضور چهل نماینده کفایت می‌کند. عمر هر دوره چنان که گفتیم پنج سال است اما پادشاه می‌تواند آن را قبل از اتمام دوره پنجساله منحل کند. اقتدارات مجلس عوام به شرح زیر است: (۲۱)

الف - اقتدارات قانونگذاری به طور عام

در انگلستان به عکس ایالات متحده، قوه قضاییه حق تجدید نظر قضایی در مصوبات پارلمان را ندارد و نمی‌تواند بعضی از این مصوبات را خلاف قانون اساسی اعلام کند

ب - اقتدار مالی

امروزه مجلس عوام تنها سرپرست و صاحب اختیار دارایی ملی است. مجلس

حاکمیت پارلمان این نتایج حاصل می‌شود:
۱- پارلمان می‌تواند هر نوع قانونی را که بخواهد وضع کند.

۲- پارلمان می‌تواند هر نوع قانون موجود را اصلاح یا لغو کند.

۳- در مشروطیت انگلستان فرقی بین قانون اساسی و قوانین عادی وجود ندارد. (۲۳)

تحقق این اصول مستلزم آزادی عمل نمایندگان و به عبارت دیگر برخورداری آنها از مصونیت پارلمانی است.

در انگلستان اصل مصونیت نمایندگان با این صراحت در هیچ متن قانونی وجود ندارد، ولی عمل مصونیتی که از لوازم آزادی بیان است رعایت می‌گردد چنانکه هیچ گونه ادعایی علیه نماینده مجلس به خاطر آنچه در مجلس یا کمیته‌ها گفته یا کتباً اعلام داشته مسموع نمی‌باشد. و همچنین دعوی اهانت علیه او غیر قابل طرح است در حالی که در قانون اساسی آلمان مقرر گردیده مصونیت نمایندگان شامل اهانت و توهین نیست و لو اینکه هنگام انجام وظایف نمایندگی ارتکاب شود.

در انگلستان برای تعقیب نماینده و اجرای مجازات، اجازه رئیس مجلس کافی است و استدلال می‌شود که استقلال قوه قضاییه و قوه مجریه و بی‌طرفی رئیس مجلس این مصونیت را عملاً تأمین می‌کند و خطر دیگری نماینده را تهدید نمی‌کند تا نیاز به تصریح مصونیت با استحکام بیشتری باشد. (۲۴)

با توجه به اینکه قدرت قانونگذاری

تحقیق و بررسی به وسیله کمیسیونهای دائمی یا کمیسیونهای فرعی خاص به نام کمیته تحقیق صورت می‌گیرد. در مجلس نمایندگان سه کمیسیون تحقیق عهده‌دار این وظیفه است ولی در سنا هم کمیسیونها اختیار بررسی دارند و از این طریق نوعی نظارت پارلمانی انجام می‌گیرد. کمیسیونهای ویژه تحقیق اختیارات فوق العاده دارند و می‌توانند از همه کسانی که لازم است، اطلاعات کسب کنند و حتی آنها را برای تحقیق جلب کنند. (۲۲)

در شرایط فعلی اقتدارات مجلس عوام تا حد زیادی نسبت به گذشته، کاهش یافته است منتقدین سیاسی انگلیسی علل کنترل نفوذ مجلس عوام را در امور کشوری، عواملی مانند ازدیاد قدرت کابینه و تسلطی که این نهاد بر کارهای پارلمانی یافته است، انعطاف ناپذیری مقررات انضباطی حزبی، محدودیت قوه ابداع و ابتکار نمایندگان مجلس، محدودیت آزادی نطق نمایندگان، فقر و یا فقدان دانش فنی و تخصصی نمایندگان، در زمینه‌های متنوع قانونگذاری، و غیره می‌دانند.

ولی با این حال، اصل حاکمیت پارلمان، برجسته‌ترین اصل در قانون اساسی غیر مدون انگلستان است، چنانکه در این کشور هیچ قدرتی وجود ندارد که مصوبات پارلمان را ملغی کند یا بتواند این مصوبات را کنار بگذارد. هیچ دادگاه قانونی نمی‌تواند در معتبر بودن قوانین مصوب پارلمان لحظه‌ای تردید کند.

پرفسور دیس معتقد است از اصل

بر این اساس، آنچه فلسفه و مبنای وجودی مجلس شورای اسلامی را تشکیل می‌دهد تحقق این آیه «و امرهم شوری بینهم» و «شاورهم فی الامر» می‌باشد. (۲۵) این آیات مقرر می‌دارند که مؤمنین باید امور خود را با مشورت یکدیگر حل کنند و در تصمیم‌گیری‌ها از فکر و اندیشه همدیگر بهره‌جویند. اصل ششم قانون اساسی منعکس‌کننده همین مفهوم است؛ آنجایی که اداره کشور را بر مبنای اراده عمومی از راه، انتخاباتی، از جمله انتخابات نمایندگان، می‌داند. اصل هفتم نیز در همین راستا، مجلس شورا را یکی از شوراهایی دانسته که در ارکان تصمیم‌گیری و اداره امور کشور قرار دارد. نتیجتاً اندیشه و فکر تشکیل مجلس، به هیچ وجه زائیده تفکر لیبرال و دمکراسی غرب نبوده و دقیقاً از بطن اعتقادات و فرهنگ اسلامی بر می‌خیزد.

بنابراین، اگرچه در بیشتر کشورهای اسلامی و حکومت‌های غیر اسلامی، مجلس و قوه مقننه وجود دارد، ولی موقعیت و ماهیت فلسفی آن در این دو نظام متفاوت است. در حکومت اسلامی، قانونگذاری و تشریح، حق انحصاری خداوند متعال می‌باشد و تنها وظیفه فقها و کارشناسان این امر، شناخت قانون و استخراج و استنباط آن از منابع فقهی می‌باشد.

امام (ره) در کتاب «حکومت اسلامی» فرموده‌اند:

«فرق اساسی بین حکومت اسلامی با حکومت‌های مشروطه سلطنتی و

مجلس لردها به حدی کاهش یافته است که در حکمرانی ملی تقریباً سهمی ندارد، در شرایط فعلی، پارلمان در حقیقت شامل مجلس عوام می‌شود و با کمی دقت، مجلس عوام نیز چیزی جز حزب دارنده اکثریت نیست و زمام حزب دارنده اکثریت هم در واقع کلاً در دست نخست وزیر و وزیر کابینه او می‌باشد پس حاکمیت پارلمان که حقوقاً خدشه بردار نیست، عملاً به حاکمیت نقطه فشرده‌ای از آن به نام کابینه منتهی شده است و باید به یاد آورد که این کابینه در عین حال در رأس قوه مجریه قرار دارد.

۳- جایگاه پارلمان در جمهوری اسلامی ایران

از نظر فلسفه سیاسی، شکل و ماهیت نظام سیاسی اسلامی «الهی» بوده و حکومت خدا بر مردم می‌باشد که این حکومت توسط نهادهای مردمی برخاسته از مشارکت عمومی، تشکیل و اعمال می‌شود. در روزگاری که هنوز پارلمان به مفهوم اولیه آن در غرب مطرح نبود و ملت‌های اروپایی برای کنت‌ها، دوک‌ها، شوالیه‌ها و امپراتورها، حکم برده‌های زرخرید را داشتند، آیین مقدس اسلام اصل شور و مشورت را از اصول اساسی و مهم زندگی اجتماعی و سیاسی جامعه اسلامی قرار داد و با این وسیله، احترام به افکار عمومی و جلب مشارکت امت را در تمثیت امور خود جامعه عمل پوشاند.

جمهوری در همین است. در این رژیمها، نمایندگان مردم یا خود شاه به قانونگذاری می‌پردازند، در صورتی که قدرت قانونگذاری و اختیار تشریع در اسلام به خداوند متعال اختصاص یافته است. شارع مقدس اسلام یگانه قدرت مقننه است، هیچکس حق قانونگذاری ندارد و هیچ قانونی جز حکم شارع را نمی‌توان به اجرا گذاشت. به همین سبب، در حکومت اسلامی مجلس قانونگذاری در واقع مجلس برنامه ریزی است که برای شئون مختلف جامعه، در پرتو احکام اسلام برنامه ترتیب می‌دهد و با این برنامه‌ها، کیفیت انجام خدمات عمومی را در سراسر کشور تعیین می‌کند.» (۲۶)

حال جا دارد پرسیده شود که با وجود مکتبی بودن نظام که کلیه مقررات و قوانین آن براساس موازین اسلامی تصویب می‌گردد دیگر چه نقشی برای مردم باقی خواهد ماند تا مسأله اتکا به آرای عمومی را بتوان درباره آن به اجرا گذاشت؟ به نظر عده‌ای از متخصصین این فن خود این سؤال ناخودآگاه پاسخ را تفهیم می‌کند زیرا پذیرش مکتبی بودن نظام و مطابقت همه مقررات و قوانین با نظامات اسلامی از طرف مردم، خود به معنی تکیه به آرای عمومی است. از سوی دیگر انتخاب رهبر و انتخاب خیرگان برای تعیین رهبر و انتخاب رئیس جمهور و نمایندگان مجلس شورای اسلامی، و همچنین انتخاب اعضای شوراهای دیگری که در قانون اساسی پیش‌بینی شده است، از موارد اتکا به آرای

عمومی می‌باشد. به علاوه قوانین و مقررات کشور و مصوبات مجلس شورای اسلامی و دیگر شوراها، به موارد احکام شرعی که در آنها جنبه‌های الزامی وجود دارد، اختصاص ندارد. بسیاری از مسائل جاری کشور مقدمه موضوعات و مباحثات و اموری است که شرع اسلام نظر خاصی در آن موارد پیش‌بینی نکرده است. در چنین اموری اتکا به آرای عمومی کاملاً صادق و معنی‌دار می‌باشد. (۲۷)

حال در این قسمت، پارلمان در جمهوری اسلامی ایران را با توجه به مطالب ذکر شده مورد بررسی قرار می‌دهیم.

قوة مقننه جمهوری اسلامی ایران در یک معنی عمومی و کلی دارای دو رکن اصلی و اساسی است:

۱ - مجلس شورای اسلامی مرکب از ۲۷۰ نماینده ملت که به طور مستقیم و با رأی مخفی برای چهار سال انتخاب می‌شوند.

۲ - شورای نگهبان مرکب از ۱۲ نفر از فقها و حقوقدانان که برای شش سال با ترتیب خاصی به عضویت این شورا در می‌آیند.

بنابراین قوة مقننه در جمهوری اسلامی ایران از مجلس واحدی به نام مجلس شورای اسلامی تشکیل یافته و شورای نگهبان مکمل این مجلس به حساب می‌آید. در اصل ۷۱ قانون اساسی آمده است، مجلس شورای اسلامی می‌تواند در عموم مسائل در حدود مقرر در قانون اساسی قانون وضع کند (این اصل بیانگر یکی از مهمترین وظایف قوة مقننه در نظام

۸۴ قانون اساسی در برابر تمام افراد مسؤول است و به لحاظ اینکه لازمه چنین مسؤولیتی مصونیت است هر نماینده به سبب اظهار نظری که به جهت ایفای وظایف نمایندگی می‌کند، از آزادی کامل برخوردار می‌باشد و هیچ کس نمی‌تواند او را تعقیب یا توقیف کند. (اصل ۸۶)

حال بینیم روابط قوا در جمهوری اسلامی ایران به چه نحو می‌باشد. و با توجه به نوع رابطه میان قوا، نظام حکومتی به نظام پارلمانی نزدیکتر است یا به نظام ریاستی.

تفکیک قوایی که در نظامهای سیاسی معاصر پذیرفته شده است در قانون اساسی ما این چنین انعکاس پیدا کرده است که قوایی حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارت است از: «قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضاییه که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت بر طبق اصول آینده این قانون اعمال می‌گردند، این قوا مستقل از یکدیگرند» (اصل ۵۷)

با توجه به این اصل ما می‌بینیم که در جمهوری اسلامی قوه‌ای علاوه بر سه قوه حاکم وجود دارد که در رأس سه قوه قرار دارد و اصول قانون اساسی به نحوی تدوین و تصویب گردیده که حضور این قوه، فوق قوا در همه بخشها و در همه قسمتها محسوس باشد. این قوه می‌تواند و اختیار دارد هر یک از قوا را از حرکت باز دارد یا حرکت آن را تند یا کند کند، می‌تواند هر یک را تقویت و یا تضعیف نماید و می‌تواند

جمهوری اسلامی ایران می‌باشد) در مقابل این اصل این سؤال مطرح می‌شود که مجلس شورای اسلامی اختیار وضع قانون را تا چه حد دارد. قانون اساسی در اصل ۷۲ به این سؤال این گونه پاسخ می‌دهد. مجلس شورای اسلامی نمی‌تواند قوانینی وضع کند که با اصول و احکام مذهب رسمی کشور یا قانون اساسی مغایرت داشته باشد. تشخیص این امر به ترتیبی که در اصل نود و ششم آمده بر عهده شورای نگهبان است.

در جمهوری اسلامی ایران می‌بینیم که قانونگذاری اولین و اساسی‌ترین وظیفه مجلس شورای اسلامی می‌باشد و علاوه بر این مجلس دارای اختیارات فوق العاده نیز می‌باشد که از اصول ۷۷ تا ۸۳ قانون اساسی به آنها اشاره شده است.

مجلس شورای اسلامی علاوه بر تصویب قوانین، حق نظارت مستمر بر اجرای قانون را نیز دارد. باید توجه شود که همه اصلاحات از طریق قانون انجام گیرد و مأمورین دولت در سطوح مختلف اجرا، وظایف خود را در حدود قانون انجام دهند، قانون اساسی این حق نظارت را به مجلس داده و برای آن ضمانت اجرا هم تعیین کرده تا مجلس بتواند این وظیفه را به نحو مطلوب انجام دهد. به همین خاطر در اصل ۷۶ تا ۸۶ آمده است: مجلس شورای اسلامی حق تحقیق و تفحص در تمامی امور کشور را دارا می‌باشد و به تناسب چنین امتیازی هر یک از نمایندگان به موجب اصل

تبادل و توازن را بین آنها محفوظ بدارد و این قوه مقام رهبری است که دارای صلاحیتها و اختیارات اصل ۱۱۰ قانون اساسی می باشد. (۲۸)

با اینکه اصل ۵۷ قانون اساسی تصریح کرده است که سه قوه مستقل از یکدیگرند ولی ما شاهد ارتباط، پیوند و همکاری بین آنها هستیم.

چنانکه رئیس جمهور و معاونین او و وزیران به اجتماع یا به انفراد حق شرکت در جلسات علنی مجلس را دارند و می توانند مشاوران خود را همراه داشته باشند و هرگاه تقاضا کنند مطالبشان در مجلس استماع می شود. و می توانند تقاضای تشکیل جلسه غیر علنی مجلس را بنمایند. در هنگام، در زمان جنگ و یا اشغال نظامی، رئیس جمهور می تواند پیشنهاد توقف انتخابات را در سراسر کشور یا بعضی نقاط اشغال شده برای مدت معینی بدهد. رئیس جمهور مصوبات مجلس را پس از تأیید شورای نگهبان امضا و جهت اجرا ابلاغ می نماید. قوه مجریه بخشی از مقررات کشور را با عنوان تصویب نامه و آیین نامه تدوین و تنظیم و تصویب می نماید و با اجازه مجلس تا تصویب اساسنامه ها هم سرایت دارد. همه این موارد دخالت قوه مجریه در مقننه محسوب می شود و استقلال قوا در مقابل آن کم رنگ می شود. (۲۹)

قوه مقننه نیز در وضع قوه مجریه نظارت و دخالت گسترده دارد. چنانکه طبق اصل ۱۲۲ قانون اساسی «رئیس جمهور در حدود اختیارات و وظایفی که به موجب قانون

اساسی و یا قوانین عادی به عهده دارد در برابر ملت، رهبر و مجلس شورای اسلامی مسؤول است». مسؤولیت رئیس جمهور در برابر مجلس تنها در ارتباط با اقدامات خودش نیست، بلکه طبق قسمت آخر اصل ۱۳۴ قانون اساسی اقدامات هیأت وزیران هم هست. برای عزل وزرا، رئیس جمهور نیازی به مجلس ندارد و خود مستقیماً اقدام می نماید ولی برای وزیر یا وزرای جدید باید از مجلس رأی اعتماد بگیرد.

هر یک از وزیران، مسؤول وظایف خاص خویش در برابر مجلس است و در اموری که به تصویب هیأت وزیران می رسد مسؤول اعمال دیگران نیز هست. همه وزیران وقتی می توانند به کار اجرایی بپردازند که از مجلس رأی اعتماد گرفته باشند، (اصل ۸۷) نمایندگان مجلس حق تذکر، سؤال و استیضاح دارند و در این موارد تا ریاست جمهوری نیز سرایت دارد و می توانند به دلیل عدم کفایت سیاسی وی را عزل نمایند چنانکه اصول ۸۸ و ۸۹ قانون اساسی به آن اشاره دارد.

درست است که مسؤولیت فردی و جمعی وزرا در مقابل مجلس با استقلال قوا که در اصل ۵۷ آمده سازگار نیست ولی همانند نظامهای دیگر پارلمانی این مسؤولیت به عنوان مکانیزمی است که می تواند قوه مجریه را کنترل و از خود سربهای آن جلوگیری نماید.

البته باید اینجا به این مسأله اشاره نمود که مواردی که در اصول ۸۸ و ۸۹ قانون اساسی آمده دلیل بر پارلمانی بودن نظام

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از جایگاه والایی برخوردار است، به عبارت دیگر حاکمیت ملت در قالب حاکمیت موازین اسلامی به شکل خاصی تبلور یافته است. اصل ۵۶ قانون اساسی در این زمینه می‌گوید: حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداوند است و هم او انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است. هیچکس نمی‌تواند این حق الهی را از انسان سلب کند یا در خدمت منافع خود یا گروهی خاص قرار دهد و ملت این حق خداداد را از طرقتی که در اصول بعد می‌آید اعمال می‌کند. در واقع اصل مذکور نقطه اتصال حاکمیت توأم مذهب و مردم است. دو اصل هفتم و هشتم هم در فصل اصول کلی، گویای همین نظر حاکمیت توأم مذهب و ملت می‌باشد. (۳۰)

با توجه به نقش مهم مجلس، که تدوین‌گر قوانین لازم برای اداره جامعه و منعکس‌کننده اراده ملی می‌باشد، قانون اساسی ما جایگاهی رفیع و قدر و منزلتی ویژه برای مجلس شورای اسلامی قائل است و آن را «عامل مهم استقلال و رشد و آزادی امت اسلامی» می‌داند.

در پایان این نوشتار برای نتیجه‌گیری بحث لازم است به این نکته توجه گردد که ما در تبیین جایگاه پارلمان و نظامهای دمکراتیک از جمله ایالات متحده و انگلیس به شاخصهایی اشاره کردیم که این شاخصها عبارت بود از:

سیاسی جمهوری اسلامی ایران نیست، زیرا در نظام پارلمانی قوه مجریه حق دارد که پارلمان را منحل کند، ولی از اصل ۶۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران چنین استنباط می‌شود که حق انحلال قوه مقننه به قوه مجریه داده نشده است ولی برطبق بند ۱۰ اصل ۱۱۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، عزل رئیس جمهور به علت تخلف از وظیفه‌های قانونی یا «عدم کفایت سیاسی» با حکم دیوان عالی کشور یا رأی مجلس شورای اسلامی پیش‌بینی شده است. همچنین این نظام، ریاستی نیز نمی‌باشد زیرا چنانکه در توضیح نظامهای ریاستی آمد شخص رئیس جمهور و وزیران در برابر قوه مقننه یا پارلمان مسؤولیت ندارند ولی در قانون اساسی جمهوری اسلامی بر طبق اصول ۸۸ و ۸۹ رئیس جمهور و وزیران در برابر قوه مقننه یا پارلمان مسؤول هستند.

بنابراین در نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران ما شاهد عناصری از هر دو نوع رژیم یعنی پارلمانی و ریاستی هستیم و به تعبیر دیگر می‌شود گفت که دارای ماهیتی است منحصر به فرد که هم عناصر از نظام پارلمانی و هم عناصری از نظام ریاستی را شامل می‌شود.

با توجه به توضیحاتی که داده شد ملاحظه می‌شود که مکتبی بودن نظام در جمهوری اسلامی ایران به معنای نفی نقش مردم در اداره جامعه نیست. حاکمیت مردم

- ۹- قاضی، پیشین، ص ۲۷۵.
- ۱۰- ابوالفضل قاضی، بایسته‌های حقوق اساسی (تهران: انتشارات بلد، ۱۳۷۳) ص ۱۸۰.
- ۱۱- عالیخانی، پیشین، ص ۲۲۴.
- ۱۲- قاضی، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، پیشین، ص ۴۳۳.
- ۱۳- عالیخانی، پیشین، ص ۲۰۳.
- ۱۴- لویسی بیونس رنگه فردا چه خواهد شد؟ ترجمه علی اکبر کسمایی (تهران: انتشارات مطبوعاتی عطایی، ۱۳۶۲) ص ۱۱۰.
- ۱۵- عالیخانی، پیشین، ص ۲۰۵.
- ۱۶- همان، ص ۲۲۴.
- ۱۷- همان، ص ۲۷۳.
- ۱۸- روزنامه جمهوری اسلامی، ۸ فروردین ۱۳۶۳، ص ۸.
- ۱۹- عمید زنجانی، پیشین، ص ۱۷۷.
- ۲۰- سید جلال الدین مدنی، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی جمهوری اسلامی ایران (تهران: نشر همراه ۱۳۷۳) ص ۴۳.
- ۲۱- عالیخانی، پیشین، ص ۳۰۸.
- ۲۲- همان، ص ص ۳۲۱-۳۲۰.
- ۲۳- مدنی، حقوق اساسی تطبیقی، پیشین ص ۱۵۵.
- ۲۴- عالیخانی، پیشین، ص ۳۳۴.
- ۲۵- مدنی، حقوق اساسی تطبیقی، پیشین، ص ۱۴۹.
- ۲۶- عمید زنجانی، پیشین، ص ۳۰۱.
- ۲۷- روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۱ فروردین ۱۳۶۳، ص ۱۰.
- ۲۸- عمید زنجانی، پیشین، ص ص ۲۳۲، ۲۳۱.
- ۲۹- مدنی، پیشین، ص ۱۵۹.
- ۳۰- همان، ص ۱۵۸.
- ۳۱- همان، ص ۵۶.

□ □ □

- ۱- حاکمیت پارلمان که نمونه عینی اراده ملی است
 - ۲- قدرت تقنینی پارلمان که از آن به عنوان وظیفه اصلی پارلمان یاد شد.
 - ۳- اختیارات و قدرت محدود کننده پارلمان یا به عبارت دیگر ابزارهای نظارت پارلمان بر قوای دیگر به ویژه بر قوه مجریه
 - ۴- مصونیت پارلمانی و آزادی عمل نمایندگان در پارلمان
- حال اگر این شاخصها را با نظام پارلمانی در ایران تطبیق بدهیم مشخص می شود که علی رغم تفاوت در ماهیت فلسفی این دو نظام (نظامهای دمکراتیک غربی و نظام جمهوری اسلامی ایران) این شاخصها به طور ملموس در نظام پارلمانی جمهوری اسلامی نیز وجود دارد.

منابع و مأخذ

- ۱- داریوش آشوری، دانشنامه سیاسی (تهران: انتشارات مروارید، ۱۳۷۰) ص ۷۶.
- ۲- محمود مهرداد، فرهنگ جدید سیاسی (تهران: انتشارات هفته، ۱۳۶۳) ص ۳۰.
- ۳- آشوری، پیشین، ص ۱۵۷.
- ۴- ابوالفضل قاضی، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۸) ص ۷۵۵.
- 5- Representative Democracy
- ۶- عبدالحمید ابوالحمد، مبانی علم سیاست (تهران: انتشارات توس، ۱۳۷۰) ص ۱۷۰.
- ۷- عباسعلی عمید زنجانی، فقه سیاسی، جلد اول (تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۸) ص ۱۴۱.
- ۸- محمد عالیخانی، حقوق اساسی (تهران: انتشارات دستان، ۱۳۷۳) ص ص ۲۰۱-۲۰۲.